

مقدمه

انسان موجودی است انعطاف پذیر و قابل تربیت که می‌توان با به‌کارگیری اصول و روشهای مناسب تربیتی به پرورش صحیح او پرداخت. از این رو، همه ادیان الهی به‌ویژه آیین مقدس اسلام بیش از همه به این مهم توجه نموده و راهکارهای مناسبی را ارائه داده است. توانائی‌ها و استعدادهای متعددی به صورت طبیعی در وجود انسان نهاده شده که نیاز به پرورش و تربیت دارند. چه بسا در اثر بی‌تفاوتی مریبان خمیر مایه‌های فطری فرد تحلیل رود و به فعلیت نرسد. ضروری که از این ناحیه متوجه فرد می‌شود غیر قابل جبران است و براین اساس، توجه به ظرفیتهای و شایستگیهای ذاتی کودک اهمیت فراوان دارد و نباید مورد غفلت یا تغافل دست اندرکاران تربیت قرارگیرد، وگرنه اصلاح و تربیت ناممکن یا بسیار دشوار خواهد بود.

هرچند همه انسانها تربیت پذیرند و نیازمند تربیت هستند، لکن زنان و دختران به‌لحاظ ویژگیهای جسمی و روانی احتیاج بیشتر به تربیت دینی و اسلامی دارند. چراکه از یک سو وجود زن و دختر سرشار از عواطف و احساسات پاک و لطیف است و به همین دلیل در برابر حوادث زندگی و تحولات اجتماعی - محیطی به مراتب آسیب پذیرتر از مردان می‌باشند. (قایمی: ۱۳۷۶، ص ۲۵۱) از سوی دیگر حضور زنان و دختران در جامعه امروزی اجتناب ناپذیر است و آنها براساس نیازهای فرهنگی و اجتماعی موجود در جامعه خواه ناخواه در صحنه‌های مختلف اجتماع فعالیت دارند. از این رو، ضرورت تربیت و ایمن‌سازی نسوان در برابر آسیبهای گوناگون بیش از پیش ضرورت دارد.

سوال اصلی پژوهش این است که تربیت زنان و دختران براساس سیره معصومین علیهم‌السلام چگونه محقق می‌شود؟ این مقاله در صدد است تا چگونگی تربیت زنان و دختران و ابعاد آن و نیز نقش آفرینی ایشان را در خانواده و اجتماع، براساس سیره عملی معصومین علیهم‌السلام که در شکل‌دهی شخصیت آنها بسیار کارساز و مؤثر است مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت تربیت زنان و دختران

شاید با نگاه سطحی به قضیه نتوان اهمیت تربیت این قشر عظیمی از جامعه را به خوبی درک کرد و به ضرورت آن پی برد، ولی با نگرش دقیق و عمیق به مساله می‌توان به لزوم تربیت

دینی و اسلامی آنان و مخصوصاً دختران در شرایط کنونی جامعه اذعان کرد. زیرا از یک سو قریب به نیمی از نیروهای فعال و کار آمد جامعه را قشر زنان و دختران تشکیل می‌دهند و از سوی دیگر گستره فعالیت آنان همه امور فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد و همچنین اختلاط زن و مرد در اکثر مراکز و ادارات خصوصی و دولتی، تردیدی باقی نمی‌گذارد که باید به تربیت دینی و هدایت معنوی این طیف وسیعی از جامعه پرداخت و آن‌ها را در برابر حوادث احتمالی مصونیت بخشید. چون تنها در صورت تربیت صحیح و اسلامی زنان و دختران است که هم آنان و هم جامعه مصونیت می‌یابند و نابهنجاری‌های اخلاقی و اجتماعی کاهش پیدا می‌کند. اگر جامعه زنان و دختران در رفتار و داد و ستد و رفت آمدهای شان قوانین شرعی را رعایت کنند و باحفظ حجاب و پوشش اسلامی در اجتماع حضور یابند، انحرافات اخلاقی به میزان قابل توجهی کاهش می‌یابد. چه این که اغلب نابسامانی‌های فرهنگی و اجتماعی در اثر اختلاط زن و مرد و درآمیختگی جوانان دختر و پسر و عدم رعایت حدود اسلامی پدید می‌آید که این مسئله به وسیله تربیت دینی نسل جوان به ویژه دختران قابل پیشگیری خواهد بود.

امروزه تهاجم فرهنگی غرب و ترویج روز افزون مدل‌های اروپای - آمریکای در کشورهای اسلامی در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی موجب افزایش بی‌بندوباریها و نابهنجاریهای اخلاقی در جامعه شده، به گونه ای که نظام خانواده و کل جامعه را به شدت تهدید می‌کند. مقابله با این رویداد نا مطلوب، نیازمند تلاش همه جانبه اقشار مختلف جامعه به خصوص متدینین و دلسوزان جامعه به ارزش‌های دینی و اسلامی است تا تزلزلی در نهاد مقدس خانواده و در نهایت جامعه پیش نیاید. چرا که نظام خانواده مبتنی بر یکسری ارزش‌ها و هنجارهای دینی و اسلامی مربوط به پیوند زنا شویی است که هر گونه تزلزل در نظام ارزشی و ترویج فساد و فحشا ولو در آینده دور، خطری برای این نهاد و سرایت آن به کل جامعه به شمار خواهد بود. شاید به همین علت دشمنان اسلام به ویژه استکبار جهانی و آمریکای جنایتکار به تبلیغات همه جانبه رسانه ای و اطلاعاتی و ترویج فزاینده فحشا و منکرات در میان مسلمانان می‌پردازند و می‌خواهند جوانان را نسبت به ارزش‌های دینی و مذهبی بی‌تفاوت بار بیاورند تا غیرت دینی و ناموسی را که مهم ترین عامل پایداری در برابر فرهنگ غرب است تضعیف نموده، بدین

وسيله پایه‌های اساسی ترین نهاد اجتماعی یعنی خانواده و جامعه اسلامی را تضعیف و یا نابود سازند.

هدف تربیت دختران در محیط خانواده

مهم ترین هدف از تربیت زنان و دختران افزون بر خودسازی و تقویت باورهای اعتقادی، آشناسازی آنان با فنون و شیوه‌های زندگی مانند شیوه شوهر داری، چگونگی فرزند پروری، همسایه داری و امثال آن است. بدین معنا که زنان و دختران علاوه بر فراگیری اندیشه‌های دینی و آموختن رفتارهای اسلامی، نقش آفرینی در عرصه‌های گوناگون زندگی را نیز باید بیاموزند و اینکه در محیط خانه و جامعه چگونه بتوانند به وظایف دینی و اجتماعی خود به نحو مطلوب عمل نمایند.

نخست به عنوان اصلی ترین مربی وظیفه مادر است که بایستی از کوچکی به تعلیم نقشها به فرزندان و دختران شان پردازد. زیرا محیط خانه مناسب ترین فضا برای نقش آموزی دختران است و مادر، شایسته ترین مربی، معلم و راهنما برای دختر می باشد. از این رو، دختر باید نقش خانه داری را از مادر فراگیرد و بیاموزد که چگونه می بایستی به اوضاع خانه و امور منزل سروسامان داد و نظم برقرار کرد. همچنین نقش مادری و شوهرداری را از رفتار مادر با پدر باید آموخت. به این دلیل که مادر محبوب ترین انسان در نزد دختر است و هرکاری که او انجام دهد در جسم و روحش بهتر اثر می گذارد. تمام حرکات و سکنات و فعالیت های مادر در برابر دختر جنبه تربیتی دارد و دختر از رفتارهای او الگو می گیرد. بر این اساس، مادر وظیفه ای بس سنگین در تربیت اولاد به عهده دارد و باید بدان عمل نماید.

رابطه عمیق مادری فرزندی و اعتماد همه جانبه دختر به مادر مهم ترین عنصر در اجرای فرایند تربیت و تأثیرگذاری آن است. چون دختر با دیده اطمینان و اعتماد به مادر می نگرد، به گفته او گوش می دهد، هرچه بخواهد بدان عمل می کند. بدینسان مادر، تنها کسی است که از نزدیک با دخترش ارتباط دارد و به نیازهای مادی و معنوی او مطلع است. او بیش ترین زمان را در کنار دختر سپری می کند و از خواسته های قلبی و منویات درونی وی آگاهی کامل دارد؛

از این رو قادر است مسائل مورد ابتلا را به صورت واضح و روشن، با دخترش در میان بگذارد و انجام آن را از وی بخواهد. حتی پدر این موقعیت را ندارد و به لحاظ دینی و اجتماعی با یکسری محدودیتهایی مواجه است. البته در صورتی مادر می‌تواند به نقش آفرینی دختر کمک کند که خود آشنایی کامل با نقشهای مورد نظر داشته باشد. بنابراین، هدف عمده تربیت دختر در خانه آماده سازی او برای زندگی آینده است تا بتواند با اطمینان کامل در همه عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی با موفقیت همراه گردد.

ویژگی‌های زنان و دختران

زنان و دختران خصوصیات روحی و روانی ویژه‌ای دارند که این ویژگی‌ها پایه تربیتی آنها را تشکیل می‌دهند و لازم است در برنامه‌ریزی‌ها و اجرای فرایند تربیت بدان توجه شود. بر این اساس، قبل از ورود در اصل موضوع به بیان برخی از ویژگی‌های زنان و دختران که مبنای تربیت آنان خواهند بود، اشاره می‌گردد تا با نظر به آن خصوصیات شیوه‌های تربیت آنها را ارائه شود.

۱. ویژگی جسمانی

هرچند زن و مرد در اصل خلقت دو گوهر از یک وجودند و مراحل تکوین و رشد جسمی را به صورت یکسان طی می‌کنند، ولی تفاوت‌هایی نیز باهم دارند که در خور دقت و توجه است. از نظر جسمی و بدنی تفاوت‌های چشم‌گیری میان زن و مرد وجود دارند که از این نظر زنان ویژگی‌های خاص خود و مردان خصوصیات مربوط به خود را دارند. ساختمان بدن زن به لحاظ ظرافت و لطافت بسیار متفاوت از ساختمان بدن مرد است. زن به علت ظرافت و آسیب‌پذیر بودن جسمی تحمل کارهای پرانرژی و طاقت فرسا را نداشته و ندارد. از این رو، استقامت و پایداری زن در انجام امور مربوط به نقل و انتقال اشیای سنگین و فعالیت‌های فیزیکی بسیار کمتر از مرد است. بنابراین، رعایت خصوصیت جسمی و فیزیکی زن باید در فرایند تربیت مدنظر باشد و نباید بیش از توان وی کارهایی را بر او تحمیل کرد. چنانکه در روایتی از امام علی علیه‌السلام زن به گل تشبیه شده است. آن حضرت در این زمینه می‌فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رَيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» (کلینی: ۱۴۰۷ق، ج ۵، ۵۱۰، ۵) واژه «قهرمان» ریشه در زبان فارسی دارد و به معنای پیش‌کار،

کارپرداز، خدمت‌کار، خادم و مسئول خرید و رتق و فتق امور منزل می‌باشد. (مجلسی: ۱۴۰۶ق، ج ۷، ص ۲۳) طبیعی است که انجام امور یادشده به قدرت فیزیکی بیشتر احتیاج دارد که اغلب با توان فیزیکی زن و دختر سازگاری ندارد. برعکس مرد به لحاظ قدرت جسمی و نیروی فیزیکی با کارهای شاقه و سخت تناسب دارد.

به لحاظ فقه اسلامی ویژگی‌های جسمی و روحی زن و مرد منشأ بسیاری از تفاوت‌های نقش‌های اجرایی و اجتماعی آن دو در مقام عمل شده است که این تفاوتها در سطح جامعه ظهور و بروز پیدامی‌کند. زنان، براساس زمینه‌ها و شرایط وجودی خود قادر به انجام برخی از وظایف اجتماعی مانند تربیت فرزند هستند که مردان توان آن را ندارند. (تربیت: ۱۳۷۸، ص ۱۳)

شاید بر همین اساس رسول خدا ﷺ بعد از ازدواج علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در تقسیم کاری، امور داخل منزل را به دخترش فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون خانه را به علی علیه السلام واگذار کرد. (مجلسی: ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۸۱) این کار بدین منظور صورت گرفت تا هرکدام از آنها به وظایف خاص خود که متناسب با ویژگی‌های جسمی آنها است، عمل نمایند. براساس شواهد، پیامبر ﷺ صبحگاهان به منزل علی علیه السلام آمد، علی و فاطمه را در کنار خود نشاند و فرمود: کارهای داخل منزل از قبیل خمیر کردن، غذا پختن، جاروب زدن، اداره فرزندان و امثال آن به عهده فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون منزل مانند تهیه مواد خوراکی و فراهم ساختن هیزم و نظائر آن وظیفه علی علیه السلام باشد. (نوری: ج ۲، ص ۵۵۱)

این سیره و رفتار رسول خدا ﷺ در تقسیم وظایف خانوادگی الگوی خوبی است برای تربیت زنان و دختران که کارهای نسبتاً سبک انجام دهند و از اختلاط با بیگانه محفوظ باشند. این رفتار همچنین، راهنمای مناسبی برای خانواده‌ها است و می‌بایست از آن الگو گرفت و درس آموخت. اگر زنان و مردان جامعه از این رفتار حضرت پیامبر ﷺ پیروی کنند ضمن اداره امور خانواده‌های و تربیت دختران شان به نحو مطلوب، هیچ‌گونه مشکلی در میان اعضای خانواده هم پیش نخواهد آمد. چراکه این تفکیک وظایف براساس استعداد و توانایی‌های ذاتی زن و مرد صورت گرفته است و با این وصف هیچ‌گونه اجحاف و ناروایی از طرف زن و شوهر نسبت به یکدیگر اعمال نمی‌شود. به علاوه در اثر احترام متقابل همسران و انجام مسئولیتهای ویژه زن

ومرد، یک نوع صفا و صمیمیت در فضای خانه حاکم خواهد شد.

۲. ویژگی جنسیتی

روشن است که زن و مرد به لحاظ جنسیتی دارای خصوصیات متفاوت از یکدیگرند و این تفاوت پایه و اساس بسیاری از تفاوت‌های دیگر آن دو را شکل می‌دهد. زن به خاطر ویژگی جنسیتی خود با محدودیتهای فراوان فردی و اجتماعی روبرو است، در حالی که مرد آن محدودیتها را ندارد. به همین علت زنان نمی‌توانند همپای مردان به فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی بپردازند. این ویژگی زنان زمینه ساز نقشهای متفاوت زن نسبت به مرد است که در جامعه نمود پیدا می‌کند. از این جاست که ایفای نقشهایی چون خانه داری، مادری، شوهرداری، تربیتی و امثال آن متناسب با شخصیت زن است.

براین اساس، فعالیت زنان و دختران باید متناسب با شأن و موقعیت دینی و اجتماعی آنان باشد تا با ویژگی‌های روحی و جسمی ایشان سازگار باشد. البته، نقش فرهنگ و آداب و رسوم هر جامعه در تعیین چارچوب فعالیت زنان برکسی پوشیده نیست. زنان در جامعه غربی براساس آزادیهای بی حد و حصر رایج در آن جوامع می‌توانند در تمام صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی حضور پیداکنند و دوشادوش مردان، بلکه جلوتر از آنان به کار و فعالیت بپردازند. اما در جوامع اسلامی وضع بسیار متفاوت از کشورهای غربی است و زنان طبق قوانین و مقررات دینی و اجتماعی نمی‌توانند برخی مناصب اداری و اقتصادی را عهده دار شوند. به‌علاوه حضور آنان در اجتماع نیز با محدودیتهایی از قبیل لزوم رعایت حجاب اسلامی روبرو است.

۳. ویژگی عاطفی و روانی

تردیدی نیست که زن و دختر از نظر روانی و عاطفی سرشار از مهر و محبت و صفا و صمیمیت است. ساختار و جودی جنس زن به‌گونه‌ای آفریده شده که نسبت به مرد قدرت جذب و انجذاب بیشتری دارد و در ابراز احساسات و عواطف توان بالایی دارد. قدرت جذب و گیرایی زنان و دختران در سطح بسیار بالایی است که اگر درست هدایت گردد در ایجاد پیوند خانوادگی و چگونگی شکل‌گیری روابط اجتماعی نقش سازنده‌ای خواهند داشت. زن می‌تواند

بارعایت اصول و قوانین اسلامی در سامان‌دهی امور خانواده و تربیت نسل فرزند نقش مهمی را ایفا نمایند. چراکه ویژگی عاطفی و روانی زنان بستر مناسبی است برای ایفای نقش مادری و تربیت اولاد و مهم‌ترین نقشی که از یک زن انتظار می‌رود جز نقش تربیتی چیزی نیست. (قایمی: پیشین، ص ۲۸۱)

اسلام ویژگی عاطفی و روانی زنان و دختران را مورد توجه قرار داده و به این جنبه از ابعاد وجودی آنان اهمیت فروان قائل شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: خداوند به زنان و دختران مهربان‌تر از مردان است. (عاملی: بی تا، ج ۱۵، ص ۱۰۴) در جای دیگر می‌فرماید: هرکس که دخترش را شادمان کند، گویی برده‌ای از نسل اسماعیل را آزاد کرده است. (همان)

این‌گونه احادیث بیانگر اهمیت دادن اسلام به بعد روانی و عاطفی زنان و دختران است و نشان می‌دهد که اسلام بیش از سایر جنبه‌ها به جنبه روانی آنان اهتمام ورزیده و بر این امر تأکید دارد تا نیاز عاطفی ایشان به تمام معنا به وسیله اطرافیان تأمین گردد. (سیف: ۱۳۸۸، ص ۳۳۰) تأکید زیاد اسلام بر اهمیت و حساسیت عاطفی زنان و دختران بیانگر وظیفه مهم بستگان و همراهان نسبت به رعایت عواطف آنان است. چراکه این کار، هم احترام و تکریم زنان و دختران است و هم ایشان را برای انجام تربیت فرزندان و متریان آماده‌تر می‌سازد.

۴. ویژگی بلوغ و تکلیف

بر اساس تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد شرایط بلوغ و زمان انجام وظایف دینی و مذهبی آنان نیز متفاوت است. خصوصیات بلوغ دختر و پسر در رساله‌های عملیه مراجع عظام تقلید به تفصیل بیان شده و نیاز به ذکر آن نیست، ولی اجمالاً می‌توان به این نکته اشاره کرد که دختر زودتر از پسر به تکلیف می‌رسد و پدر و مادر می‌بایست به این مساله توجه داشته باشند. چه بسا ممکن است برخی از خانواده‌ها از این امر غفلت ورزیده اطلاعی از سن تکلیف فرزندان خود نداشته باشند، زمانی باخبر گردند که بسیاری از تکالیف الهی فوت شده و فرزندان به موقع آنها را انجام نداده‌اند. چون انجام عبادات و وظایف شرعی بر زن و مرد واجب است و آغاز آن مشروط بر رشد جسمی و بلوغ جنسی و فکری - شناختی دختر و پسر می‌باشد. ولی دختر

براساس ویژگی‌های بیولوژیکی و روانی خود زودتر آمادگی پذیرش وظایف و تعالیم دینی را پیدا می‌کند. اسلام با توجه به این ویژگی می‌خواهد دختران پیش از پسران در زیر خیمه انسان ساز دین و مذهب وارد شوند و معارف اسلامی را بیاموزند. چراکه انجام عبادت و تعهد به وظایف دینی و اسلامی در اصلاح و تربیت انسان نقش اساسی دارد. خداوند خطاب به مریم (مادر حضرت عیسی علیه‌السلام) می‌فرماید: «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» (العمران: ۴۳) ای مریم! در برابر پروردگارت خضوع کن و پیشانی بر زمین بگذار و با رکوع کنندگان رکوع نما.

از بعضی تفاسیر برمی‌آید که این خطاب در نه سالگی مریم بوده و او پس از آن، دائم در حال عبادت بود تا آن جا که در اثر عبادت در نیل به کمالات معنوی از احبار و دانشمندان عصر خود پیشی گرفت. (مکارم: ج ۲، ص ۳۹۹) شاید علت این امر این بود که حضرت مریم با جان و دل پذیرای دستورات خدا شد و عاشقانه به عبادت او پرداخت. به هر حال تعهد به انجام وظایف دینی و مذهبی این امکان را به دختران می‌دهد که زودتر آمادگی لازم را برای ایفای نقشهایی چون مادری، تربیتی و خانه داری پیدا کنند.

۵. ویژگی تربیتی

با نظر به خصوصیات جسمی و روانی زنان و دختران تربیت آنان نیز باید متناسب با آن ویژگی‌ها بوده و امتیازات عاطفی و فیزیکی آنها مورد توجه مریمان قرارگیرد و در اجرای فرایند تربیت به گونه‌ای باید رفتار کنند که احساس حقارت و خودکم‌بینی در آنان پدید نیاید. به لحاظ جسمی می‌بایست شرایطی را فراهم آورد که زنان و دختران از هر جهت در امنیت کامل بسربرند و مزاحمی برای شان نباشد. این مسأله در مدارس و مراکز علمی آموزشی به ویژه دانشگاهها از اهمیت بیشتری برخوردار است. چون دانش آموزان و دانشجویان دختر در شرایط سنی خاصی به سر می‌برند و احیانا تحت فشار غرائز جنسی بیشتری قرار داشته‌اند. از این رو، خوابگاه دانش آموزی و دانشجویی دختر باید در محل مناسبی بدور از مزاحمت‌های خیابانی و رفت و آمدهای افراد لا ابالی در نظر گرفته شود. در صورت غفلت از این امر،

ممکن است آسیبهای روانی و جسمی فراوانی متوجه این قشر آسیب پذیر از جامعه گردد که جبران آن ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود. چنانکه در بسیاری از این مراکز بر اثر مزاحمت‌های وارده، آسیبهایی به دختران وارد می‌شود.

از نظر بلوغ و تکلیف نیز باید در مورد دختر و پسر تفکیک قایل شد و هرکدام را براساس نیازهای خاص شان تربیت کرد. از آن جا که دختر زودتر از پسر به تکلیف می‌رسد، تعلیمات ویژه‌ای را می‌طلبد. بدین معنا که احکام عملی ویژه زنان و دختران مانند مسایل حیض و نفاس باید قبل از ابتلاء به آن به ایشان آموزش داده شود تا هنگام مواجهه با آن مسائل از نظر شرعی و روانی مشکلی برای شان پیش نیاید. چه بسا دخترانی که در اثر بی‌خبری از عادت زنانگی و تحولات روحی و روانی ناشی از آن هنگام ابتلای بدن، دچار اضطراب و پریشانی روانی و گاه گرفتار عوارضی چون بیماری خواهند شد که این مسأله با تربیت و آموزش به موقع وظایف دینی به راحتی قابل پیشگیری خواهد بود. به هرصورت ویژگی‌های فردی و اجتماعی دختران اقتضای تربیت ویژه‌ای دارد و می‌بایست در اجرای فرایند تربیت مورد توجه اولیا و مربیان قرارگیرد.

نقش آفرینی‌های تربیتی زنان و دختران

زن به‌عنوان رکن مهم جامعه می‌تواند، نقشهای مهمی در اجتماع ایفا کند؛ نقشهایی که از غیر او ساخته نیست و یا با دشواری مواجه خواهد بود. نقشهای فردی و اجتماعی زنان و دختران براساس توانائیا و انتظاراتی است که از آنان می‌رود. نقشهای زن با ویژگی‌های یاد شده انجام وظایفی است که به صورت فطری یا قراردادی به عهده وی نهاده شده است. در اینجا لازم است به برخی از نقشهای مهم زنان و دختران که برخاسته از خصوصیات روحی و جسمی آنان است اشاره شود.

۱. نقش شوهرداری

مهم‌ترین نقش مورد انتظار از یک زن نقش شوهر داری است که پس از پیوند زناشویی ظهور و بروز پیدا می‌کند. این نقش زنان در زندگی اجتماعی و خانوادگی تأثیر بسزا دارد. اگر زن در این زمینه به وظیفه خود عمل کند می‌تواند افراد شایسته‌ای را تربیت کرده تحویل جامعه دهد.

قرآن از این نقش زن مکرر سخن گفته و آن را مایه سکون و آرامش مرد دانسته است. آن جا که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما محبت و شفقتی قرارداد که بی‌تردید برای افرادی اندیشمند از نشانه‌های خداست.

آیه شریفه متضمن نکات تربیتی بسیاری است که همه حاکی از اهتمام اسلام به تحکیم نظام خانواده می‌باشد. پیدایش عواطف دوستانه و محبت آمیز میان زن و مرد پس از ازدواج مهم‌ترین عامل استحکام و پایداری نهاد خانواده به شمار می‌رود. وجود مهر و عواطف عاشقانه زن و شوهر به همدیگر از عنایات ویژه الهی است که براساس نیاز فطری و طبیعی انسان در سرشت آنها نهاده شده و این امر در جهت رشد و تکامل مادی و معنوی جامعه تأثیر گذار است. (هاشمی: ۱۳۸۲، ج ۱۷۲، ۱۴)

روایات اسلامی نیز بر نقش شوهرداری زن و آثار تربیتی آن تأکید فراوان داشته و مهم‌ترین وظیفه او را خوش رفتاری با شوهر بیان داشته‌اند. از جمله عناوینی که برای تبیین این مطلب زیاد در احادیث به کار رفته «حُسْنُ التَّبَعْلِ» (حرعاملی: بی‌تا، ج ۲۰، ص ۱۶۳) یعنی رفتار نیکو با شوهر است. از مصادیق خوب شوهرداری کردن زن اطاعت او از شوهر می‌باشد، به گونه‌ای که در همه شؤونات زندگی باید مطیع او باشد. چراکه خانواده نماد یک اجتماع کوچکی از جامعه بزرگ است و نیاز شدید به نظم و انضباط و برقراری امنیت و آرامش روحی روانی دارد. شاید اثر مهم ازدواج همین آرامش روحی و روانی اعضای خانواده است که از نظر تربیتی زمینه‌ساز رشد مادی و معنوی این نهاد بابرکت می‌باشد. از این رو، خداوند به منظور تحقق بخشیدن به این امر مرد را به لحاظ ویژگی‌های خاص او سرپرست خانواده تعیین فرموده تا با مهر ورزی به زن بر تقویت آن بیفزاید. مردان به خاطر برتری‌هایی که دارد سرپرست و نگهبان زنان هستند. (نسا: ۴۴)

براین اساس در سیره معصومین علیهم‌السلام به لحاظ تربیتی زن شایسته زنی است که در برابر خواسته‌های به حق شوهر مطیع و متواضع بوده و با رفتار و زبان خوش با وی برخورد نماید.

زندگی سراسر نور حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در این زمینه سرمشق خوبی برای زنان مسلمان است و زنان باید روش زندگی را از آن حضرت بیاموزند. همسر بزرگوار فاطمه علیها السلام، حضرت علی علیه السلام در مورد شوهرداری او می‌فرماید: در طول زندگی با فاطمه علیها السلام، هرگز مخالفتی از او ندیدم و هیچ‌گاه کاری برخلاف میل من انجام نداد. (خوارزمی: ۱۳۱۱ق، ص ۳۵۳) از حضرت فاطمه علیها السلام نیز نقل شده که در آخرین لحظات زندگی ضمن درخواست حلالیت از شوهرش علی علیه السلام عرض کرد: هر چند می‌دانم در طول زندگی کاری برخلاف میل تو انجام نادم، ولی از پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله شنیدم که زنی در قیامت وارد بهشت نمی‌شود مگر این که شوهر از او راضی باشد.

۲. نقش مادری

مادر، واژه‌ای است زیبا و پُر جاذبه همراه با عواطف و احساسات انسانی و مادری که در هر مکتب و آیینی به‌عنوان سمبل ایثار و فداکاری شناخته می‌شود. چه اینکه آغوش پر مهر مادر مظهر صفا و صمیمیت، عشق و محبت، تعهد و وفاداری است که هر مادری با احساس حاضر است در راه تأمین نیازهای مادی و معنوی فرزند و فراهم ساختن وسایل رفاه و آسایش او هرگونه ایثار و از خود گذشتگی را نشان دهد. مادر به لحاظ روحی و روانی آمادگی آن را دارد که در مسیر تأمین احتیاجات فرزندان خود تمام رنج و زحمت را با جان و دل بپذیرد تا فرزندش در راحتی زندگی کند. چنانکه مشاهده واقعیات زندگی خانوادگی این حقیقت را به‌خوبی نشان می‌دهد و تردیدی در آن وجود ندارد.

عنوان مادری افتخاری است برای زنان که هر خانمی طبعاً پس از ازدواج در انتظار آن به سر می‌برد و امید مادر شدن را در ذهن می‌پروراند. چراکه وجود فرزند ثمره پیوند زن و مرد است و اگر این آرزو برآورده نگردد، یک نوع نقصی در فضای خانواده مشاهده می‌شود. رسول الله صلی الله علیه و آله در روایتی می‌فرماید: «إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ» (کلینی: ج ۶، ص ۳) به راستی که فرزند صالح، گلی از گل‌های بهشتی است. در این تشبیه وجوه زیادی مانند آرامش دهی، زیبای بخشی، شاداب سازی، جذابیت، تربیت پذیری و مانند آن وجود دارند که با

مشاهده کودک برای والدین حاصل می‌شود. بر این اساس در هر خانواده‌ای که نوزادی، به خصوص نخستین فرزند به دنیا بیاید سرور و خوشحالی همه اعضای آن را فرا می‌گیرد. فرزند علاوه بر اینکه میوه شریین پیوند زناشویی است، در تحکیم پایه‌های نظام خانواده نیز تأثیر بسزا دارد. وجود فرزند در خانواده تاحدودی از پیش‌آمد اختلافات و کشمکشهای خانوادگی جلوگیری می‌کند. بسیاری از خانواده‌هایی که در اثر تولد فرزند همه اختلافات شان یک‌باره برچیده و در عوض بذر مهر و محبت از نو در دل زن و شوهر کاشته شده و سر انجام به زندگی موفق و سعادت‌مندی نائل آمدند.

زندگی فاطمه زهرا علیها‌السلام در یک دوره نسبتاً کوتاه به مثابه تابلوی درخشانی است در مسیر زنان و خانواده‌های مسلمان که تمام زوایای آشکار و نهان آن، الگوی مناسبی برای مادران امروز جامعه است. ابراز عواطف حضرت زهرا علیها‌السلام به فرزندان و مهر و محبت او با آنان نشان دهنده عمق احساس مادری است. در روایتی نقل شده که هروقت فاطمه علیها‌السلام می‌خواست با فرزند خرد سالش امام حسن علیه‌السلام بازی کند او را روی دستش می‌چرخاند و بالا و پایین می‌کرد و این اشعار را زمزمه می‌نمود:

اشبه اباک یا حسن واخلع عن الحق الرسن
و اعبد الها ذا منن و لا توال ذا الاحن

ای حسن جان مانند پدرت باش، ریسمان را از گردن حق بردار، خدای احسان‌کننده را پرستش کن و با افراد کینه‌توز دوستی مکن. (لنگرودی: ۱۳۷۵، ص ۲۵)

۳. نقش خانه داری

خانه داری به معنای ساماندهی امور منزل از وظایف زنان است و این کار در رشد و پیشرفت مادی و معنوی خانواده تأثیر فراوان دارد. برقراری نظم و انضباط، تأمین نظافت و پاکیزگی در محیط خانه فضای منزل را معطر ساخته، نشاط روحی و روانی را در بین اعضای آن حکم فرما می‌سازد. رعایت نظافت و بهداشت از مسایلی است که همواره مورد تأکید اسلام بوده و هست و خانه‌ای در زندگی موفق است که محیط آن مرتب و نظیف باشد. طبق حدیث معروفی از

رسول خدا ﷺ در مورد نظافت آمده است: «تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَلَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلُّ نَظِيفٍ» (ریشه‌ی: ۱۳۸۱، ص ۵۰۶) خداوند اسلام را بر پایه نظافت و پاکیزگی بنا کرده و داخل بهشت نمی شود، جز پاکیزگان. این روایت همه عرصه‌های زندگی و از جمله خانواده را شامل است که هر اندازه نظافت و طراوت در محیط خانه حاکم باشد، به همان اندازه زمینه کمال مادی و معنوی اعضای آن فراهم می گردد.

خانه داری ابعاد وسیعی دارد و شامل کارهای داخل منزل نظیر پخت و پز، نظافت، شستشوی ظرف و ظروف، پذیرای مهمان و امثال آن می شود. انجام این امور معمولاً به عهده زنان است؛ چون اقتضای زندگی مشترک این است که هر کدام از زن و شوهر سهمی در زندگی داشته باشند. اگر زوجین به وظایف دینی و اجتماعی خود عمل نمایند، می توانند محیط خانه را سرشار از صفا و صمیمیت بسازند و فرزندان شایسته ای را تربیت نموده تحویل جامعه دهند.

سیره و رفتار معصومین علیهم السلام به ویژه سیره حضرت زهرا علیها السلام در محیط خانواده چراغ روشنی در برابر زنان خانه دار است. زهرا علیها السلام با آن مقام و عظمتی که نزد خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله داشت، نه تنها از انجام کارهای منزل شانه خالی نمی کرد، بلکه به عنوان یک زن خانه دار نقش های خانه داری، همسر داری و مادری خود را به خوبی ایفا می نمود. به فرموده علی علیه السلام: آن قدر با مشک، آب کشید تا آن که در سینه اش اثر گذاشت، آن قدر خانه را رُفت و رو کرد تا آن که پیراهنش غبار آلود گشت و آن قدر زیر دیک آتش روشن کرد تا لباسش سیاه رنگ گردید.

(ریشه‌ی: ۱۳۹۵، ص ۲۴۹) این گونه رفتار زنان در خانواده آثار تربیتی فراوانی دارد که در مجموع عامل تحکیم نظام خانواده می شود.

۴. نقش تربیتی

در محیط خانه و اجتماع برجسته ترین نقش زن نقش تربیتی او است. اهمیت این نقش از آنجا روشن می شود که کودک نخستین بار در آغوش مادر قرار گرفته آداب اسلامی و رسوم اجتماعی را از آن جا فرا می گیرد. چون کودک از دامن مادر می آموزد که چگونه با دیگران رفتار نماید و چگونه با آنان برخورد داشته باشد. از این رو، چگونگی رفتار مادر با کودک در شکل دهی

ساختار شخصیتی او تأثیر بسزا دارد. کار شناسان مسائل تربیتی بر نقش مادر در تربیت فرزند همواره تأکید داشته و دارند. زن، با بهره مندی از عواطف سرشار و مهر و محبت مادری شایستگی تربیت انسانهای وارسته و شایسته را دارد. امام خمینی می‌فرماید: «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است. برای این که زنان و بانوان علاوه بر این که خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد زندگی هستند، قشرهای فعال را نیز در دامن خودشان تربیت می‌کنند. خدمت زن به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است و این امری است که انبیا می‌خواستند.» (خمینی: ۱۳۹۰، ص ۱۳۲)

بانوان مسلمان می‌توانند نقش تربیتی را از بانوی نمونه اسلام فاطمه زهرا علیها السلام بیاموزند و این که آن حضرت چگونه توانست در مدت کوتاه شخصیت‌های والا مقامی مانند امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و زینب کبری علیها السلام و ام کلثوم علیها السلام را پرورش داده تحویل جامعه دهند. فاطمه علیها السلام با وجود گرفتاریها و مشکلات فراوانی که بعد از رحلت پدر بزرگوارش داشت، توانست نقش‌های خود را به عنوان یک مادر و مربی در بالاترین حد ممکن ایفا نماید. بانویی که ضمن همکاری و همدلی کامل با شوهر به تربیت فرزندان همت گماشت و با بهره‌گیری از روش‌های مناسب در این زمینه به خوبی انجام وظیفه کرد. اگر زنان و مادران جامعه از سیره و رفتار حضرت زهرا علیها السلام در تربیت فرزند پیروی نموده، روش‌های تربیتی آن بزرگ بانو را پیشه خود قرار دهند، بی‌شک در عرصه‌های مختلف قادر خواهند بود به خوبی ایفای نقش نمایند.

ابعاد تربیت زنان و دختران

فرایند تربیت دارای ابعاد متعدد و جنبه‌هایی گوناگون است که شامل پرورش جسمی و روحی بانوان در زمینه‌های جنسی، اجتماعی، اقتصادی و امثال آن می‌شود و در این جا لازم است به مهم‌ترین آن‌ها اشاره‌ای گذرا داشته باشیم.

الف) تربیت دینی

تربیت دینی، فرایندی است که از طریق اعطای بینش، التزام قلبی و عملی به فرد هماهنگ با فطرت و به دور از جبر و فشار، به منظور نیل متربی به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد.

مفهوم تربیت دینی در ارتباط با سه محور اصلی شناخت، ایمان و عمل قابل تعریف و تبیین است. این سه عنصر در تربیت دینی متربی، نقش اساسی دارند و مرتبی بر همین اساس باید عمل تربیت دینی را در ارتباط با متربیان اجرا کند.

۱. شناخت

نخستین عنصر مؤثر در تربیت دینی و دین مداری، علم به اصول و قواعد ضروری دین است. یعنی متدین باید گزاره های دینی را از طریق استدلال و برهان عقلی دریافت نماید و به آنها عمیقاً باورمند باشد؛ مانند توصیف این که «خدا آفریننده جهان است» یا «خدا یکی است» از گزاره های توصیفی مربوط به مسائل اعتقادی هستند که یک موحد باید بداند و عقیده پیدا کند. آنچه در این زمینه قابل توجه است این است که در باب شناخت و عقیده به گزاره های دینی و اعتقادی، نباید به ظن و گمان بسنده کرد. چون خداوند در قرآن می فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» (اسرا: ۳۲) از چیزی که به آن علم نداری پیروی نکن». بلکه به علم و یقین باید رسید.

در روایات اسلامی از علم و معرفت تعبیر به نور شده و آن را مبتنی بر اراده خدای متعال کرده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «الْعِلْمُ نُورٌ يُقَدِّفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ» (العاملی: ۱۳۶۸، ص ۱۴۸) علم، نوری است که خداوند به قلب هر کس بخواهد می افکند. نورانیت معرفت و علم به این معنا است که صاحبش را به رشد مادی و معنوی رهنمون می شود. این تعریف از علم و شناخت ناظر به جنبه معنوی و هدایت‌گری آن است که به نظر امام صادق علیه السلام علم بذاته روشنگر و هدایت‌گر است. نوع این هدایت‌گری بسته به این است که اگر علم مرتبط با خدای متعال باشد و با اراده و مشیت او در قلب انسان قرار گیرد، راه سعادت و رستگاری را به او نشان داده وی را به سوی خدا رهنمون می شود. نخستین گام در تربیت دینی دادن علم دینی به متربی است تا به وسیله آن پایه رشد معنوی او شکل گیرد. این نوع علم در حقیقت با مشیت الهی در ذهن و قلب انسان شکل می گیرد و با تلاش او به رشد و بالندگی می رسد. (حسین‌زاده: ۱۳۸۵، ص ۴۴)

۲. ایمان

عنصر دوم در تربیت دینی التزام قلبی متربی به باورها و اصول مسلم اسلامی است. به کسی که اعتقاد قلبی نسبت به خدا و دیگر عقاید نداشته باشد، متدین گفته نمی‌شود. ریشه تمام ارزش‌های اخلاقی مبتنی بر ایمانی برخاسته از علم و معرفت حقیق است، به‌گونه‌ای که هرچه معرفت کامل‌تر باشد، آن ایمان نیز بارورتر خواهد شد. البته علم و شناخت شرط کافی برای ایمان نیست، بلکه شرط لازم آن است و عنصر اراده و گرایش باطنی به التزام قلبی نسبت به باورهای دینی جزء اخیر ایمان را تشکیل می‌دهد.

باتوجه به این امر، ایمان یک عمل قلبی کاملاً اختیاری است که فرد پس از شناخت لازم و به دور از فشارهای بیرونی، اصول اسلامی را پذیرا می‌شود و یا آن را انکار می‌کند. چه‌بسا افرادی هستند که در عین شناخت گزاره‌های دینی، در اثر لجاجت و عناد، ایمان نمی‌آورند. در مورد اختیاری بودن ایمان، شواهد فراوانی از آیات قرآن وجود دارد، از جمله اینکه خداوند می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۴) ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر و پذیرا باشد یا کفران‌کننده و ناپذیرا. در جای دیگری می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» (بقره: ۲۵۶) در قبول دین اکراهی نیست. از این آیات اختیاری بودن ایمان پذیری متربی به صراحت استفاده می‌شود.

در تربیت دینی لازم است مؤلفه دوم، یعنی ایمان در قلب متربی شکل گیرد و در طول زندگی مسیر رشد و تکامل را بپیماید. از منظر قرآن ایمان به منزله درخت استواری است که ریشه آن در زیر خاک و شاخ و برگ و میوه‌هایش در آسمان در معرض استفاده مردم قرار دارد. چنانکه خداوند می‌فرماید: «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ. تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (ابراهیم: ۲۴-۲۵) «کلمه طیبه» (و گفتار پاکیزه) را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت، و شاخه آن در آسمان است. هر زمان میوه خود را به اذن پروردگارش می‌دهد. از نوشتار برخی مفسران استفاده می‌شود که منظور از کلمه طیبه ایمان به اصول اعتقادی است و مقصود از فروع و شاخ و برگ فروع دین می‌باشد. این فروع دارای میوه‌های لذت بخش معنوی است که مؤمنان در حیات طیبه از آن بهره می‌برند. (طباطبایی: ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۵۰)

۳. عمل

عنصر سوم تربیت دینی عمل به گزاره های تجویزی و احکام دینی است، یعنی آنچه را فرد از باورهای دینی می داند و به آن ایمان دارد، در مرحله عمل نیز به آن متعهد باشد. از نظر اسلام و سیره معصومین علیهم السلام، عملی ناشی از ایمان راسخ به اصول دین و ارزش های مذهبی، ارزشمند است. چراکه در موارد متعددی از قرآن، ایمان قبل از عمل صالح ذکر شده است؛ مانند «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ» (یونس: ۱۰) کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، پروردگارشان آنها را در پرتو ایمانشان هدایت می کند. در این مورد، شواهد فراوانی از قرآن وجود دارد که عمل صالح را مشروط به ایمان می کند؛ نظیر «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷) هر کس از مرد و زن کار نیکی انجام دهد، به شرط اینکه ایمان داشته باشد، ما او را زندگی پاک و پاکیزه ای می بخشیم.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الاجْتِهَادَ وَ الصَّدْقَ وَ الْوَرَعَ» (کلینی: ج ۲، ص ۱۰۵) مردم را به غیر زبان (بلکه با کردار) خود به خیر و نیکوکاری دعوت کنید تا مردم باید کوشش در عبادت و راستگویی و پرهیزکاری شما را ببینند. چراکه دعوت متربی با عمل به گفته ها بیش از توصیه زبانی آنها در تربیت متربیان تأثیر گذار است و آنان را هدایت می کند. همان گونه که فاطمه زهرا علیها السلام فرزندان و زبردستان را با عمل، به ارزش های دینی و اسلامی تربیت کرد. امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: شب جمعه مادرم فاطمه علیها السلام را دیدم از اول شب تا صبح نماز خواند و برای تک تک همسایه ها دعا کرد. گفتم مادر چرا برای خودت دعا نکردی؟ فرمود: «يَا بِنْتِي الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ» (صدوق: بی تا، ج ۱، ص ۱۸۱) فرزندم اول همسایه بعد صاحب خانه؛ یعنی ابتدا باید حقوق همسایه پرداخ، سپس به اعضای خانواده رسید. این سیره عبادی فاطمه علیها السلام و کلام بلند آن حضرت از نظر تربیتی بسیار حایز اهمیت بوده و برای تربیت نسل جوان کارساز است و باید مریبان به آن توجه کرده سر مشق خویش قرار دهند.

ب) تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی دایره وسیع دارد و همه رفتارهای ارزشی فردی و اجتماعی را فرامی گیرد؛

به نحوی که مربی در ارتباط با خود و دیگران می‌بایست به بهترین وجه عمل نماید. اولیا به‌عنوان مربیان نخست دختران باید در پرورش صحیح و ارائه رفتارهای شایسته به آنها اهتمام ورزند. تربیت اخلاقی عبارت است از فرایند زمینه‌سازی و به‌کارگیری روش‌هایی جهت شکوفاسازی، تقویت و تثبیت فضائل انسانی در مربی و همچنین اصلاح و زدودن صفات و رفتارهای غیر اخلاقی از وی؛ به‌گونه‌ای که مربی خود با اراده و اختیار خود به فضایل اخلاقی عمل و از رذایل اخلاقی دوری گزیند. (بناری: ۱۳۷۹، کتاب ۲، ص ۱۷۸) تربیت اخلاقی به این معنا از مهم‌ترین ابعاد تربیت است که در مورد دختران ضرورت بیش از دیگران دارد. مثلاً پرورش آنها با صفت عفت و حیا و رعایت کامل حجاب اسلامی در محیط خانواده امکان‌پذیر است. مادر با حجاب خود باید به دختر بفهماند که پوشش و دوری از نامحرم از مهم‌ترین ارزش‌های رفتاری و تربیتی در قرآن و اسلام و حافظ او از آسیبها می‌باشد.

قرآن کریم در داستان حضرت موسی علیه‌السلام و دختران شعیب به موضوع حیا و حجاب به صراحت اشاره کرده می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ» (قصص: ۲۵) موسی دید که یکی از آنان - دو دختر که موسی برای شان از چاه آب کشیده بود- با کمال حیا باز آمد. یعنی راه رفتن دختر شعیب راه رفتن توأم با حیا و وقار بود. این دختر با عفت و حیا به‌عنوان الگو برای عموم زنان و دختران مسلمان معرفی شده که باید به او تاسی کرد و رفتاری همانند وی از خود نشان دهند.

زندگی فاطمه زهرا علیها‌السلام سراسر تجلی بخش حیا و عفت و پاکدامنی است. حسن بصری گوید: پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از فاطمه علیها‌السلام پرسید: «أُتِيَ شَيْءٌ خَيْرٌ لِلْمَرْأَةِ؟» چه چیز برای زن بهتر است؟ گفت: «أَنْ لَا تَرَى رَجُلًا وَلَا يَرَاهَا رَجُلٌ» (مجلسی: ج ۴۳، ص ۸۴) آن که نه زن مردی نامحرم را ببیند و نه مردی نامحرم او را. نایبایی از فاطمه علیها‌السلام دختر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اجازه ورود خواست، بلافاصله فاطمه پشت پرده قرار گرفت. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به او فرمود: «لِمَ حَجَبْتَهُ وَ هُوَ لَا يَرَاكِ؟» چرا چنین کردی آن مرد تو را نمی‌بیند؟ عرض کرد: یا رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم! «إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَنَا أَرَاهُ وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ» اگر آن مرد مرا نمی‌بیند، من او را می‌بینم و او بوی مرا استشمام می‌کند. آن‌گاه پیامبر فرمود: «أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي» (قزوینی: ۱۴۱۵ق، ص ۲۰۵) گواهی می‌دهم که تو پاره تن من هستی.

ج) تربیت جنسی

منظور از تربیت جنسی تعلیم آموزه‌های دینی و مذهبی مربوط به جنسیت زن مانند مسائل ویژه زنان - احکام حیض، نفاس و استحاضه - به دختران است که موقع ابتلا به آن، بتوانند با آگاهی کامل به وظایف خود عمل نمایند. به عبارت دیگر تربیت جنسی یعنی تقویت پایه‌های فکری و اعتقادی دختران همراه با آموزش روشهای صحیح به‌کارگیری آن در عمل. در این نوع تربیت سعی بر آن است که اندیشه‌های دینی و راه‌های استفاده از اندیشه‌ها در محیط خانه به‌صورت عملی به دختران یاد داده شود. مثلاً این ایده را باید در خانه به دختر آموخت که کسی حق ندارد با او تماس بدنی برقرار کند یا نامحرم اعضای بدن و موهایش را ببیند. چراکه این امر در شرع مقدس اسلام حرام و تعدی از آن گناه محسوب می‌شود.

چگونگی روابط والدین و نحوه برخورد آنها با یکدیگر در شکل‌دهی اندیشه تربیت جنسی دختران تأثیر فراوان دارد. از این رو، در روایات اسلامی توصیه‌های زیادی در زمینه کیفیت روابط زناشویی پدر و مادر و رفتار آنان با یکدیگر در محیط خانواده شده است که از نظر تربیتی اهمیت بسیار دارد. امام صادق علیه السلام در این مورد می‌فرماید: زن و شوهر نباید در جایی که کودک است کاری انجام دهد که شهوت برانگیز باشد؛ چون این کار سبب بروز بلوغ زودرس یا موجب انحراف جنسی در آنان می‌شود. (حرعاملی: ج ۱۴، ص ۹۴)

د) تربیت اجتماعی

از اهداف مهم تربیت اسلامی آماده‌سازی نسل جوان برای زندگی اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز با دیگران است. زنان و دختران به دلیل آسیب‌پذیری عاطفی و روانی نیاز بیشتر به تربیت اجتماعی دارند. چراکه این قشر از جامعه در معرض آسیب‌های مختلف محیطی و اجتماعی قرار دارند و باید در برابر آن آسیب‌ها مصونیت پیدا کنند. جاذبه‌های اجتماعی به‌قدری قوی است که افراد سست عقیده و ضعیف‌الایمان را به زودی منفعل می‌کند و رنگ و بوی محیط را به خود می‌گیرند و به‌همان راهی که دیگران رفته‌اند، می‌روند.

اسلام دستورات اجتماعی فراوانی در مورد زنان و دختران دارد و قرآن در این زمینه

می فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» (نور: ۳۱) به زنان مؤمن بگو چشمهای خود را (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند. دستورات متعدد خدا در این آیه خطاب به زنان و دختران نشان دهنده اهتمام قرآن به تربیت اجتماعی ایشان است که باید مراقب خود و دیگران باشند. سیره معصومین علیهم السلام هم بیانگر توجه جدی آن بزرگواران به تربیت اجتماعی و مصونیت بخشی نسوان می باشد.

اسلام هیچ گاه مخالف حضور و فعالیت زنان در جامعه نبوده و نیست، بلکه حضور آنان را در برخی موارد لازم و ضروری می داند. تفاوت اسلام با دیگر مکاتب در آن است که اسلام حضور زنان در اجتماع را مشروط به رعایت مقررات اسلامی، به ویژه حجاب می داند. چنانکه امام خمینی در این مورد می فرماید: امروز باید خانمها به وظایف اجتماعی شان، وظایف دینی شان عمل بکنند و عفت عمومی را حفظ بکنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی را انجام بدهند. (خمینی: ک: ۶، ۱۳۹۰، ص ۷۲) این گفتار امام بی شک برخاسته از آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام است و به صراحت اعلان می دارد که زنان و دختران می توانند مانند مردان عهده دار پستهای اجتماعی شوند و در صحنه های اجتماع ایفای نقش نمایند. همان گونه که در تاریخ اسلام و سیره معصومین علیهم السلام نمونه های فراوانی از حضور زنان در اجتماع وجود دارند. حوادث مدینه بعد از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله و حضور حضرت زهرا علیها السلام در مسجد النبی و قبرستان بقیع گواه این مطلب است. همچنین مسافرت زنان و دختران امام حسین علیه السلام در کربلا و شام از دیگر نمونه های فعالیت زنان در عرصه های اجتماع است. براین اساس، کار زن بیرون از خانه محدود به شرایطی از جمله حفظ حجاب است که رعایت آن به نفع زن می باشد و برای او مصونیت اجتماعی می آورد.

ه) تربیت اقتصادی

یکی دیگر از جنبه های تربیت زنان و دختران تربیت اقتصادی است که در ایفای نقشهایی خانه داری و اجتماعی مؤثرند. چون این نوع از تربیت با این نقشها ارتباط مستقیم دارد و اگر زنان و دختران از دانش اقتصاد خانواده بهره مند باشند، بهتر می توانند به ایفای نقش خانه داری

بپردازند. تربیت اقتصادی به معنای کارآموزی فنون خانه‌داری و فراگیری شیوه‌های درست مدیریت مالی و معیشتی است که باید به دختران تعلیم داده شود. آشناسازی دختران با آشپزی و پخت‌وپز و نیز تهیه غذای مناسب بدون اسراف و تضييع مواد اولیه از وظایف مهم مادران است. قرآن دستورات متعددی در مورد اقتصاد و معیشت مردم دارد و همه آنها را به رعایت اعتدال و میانه‌روی در دخل و خرج سفارش می‌کند. کسانی که در استفاده از منابع و امکانات مادی زیاده‌روی می‌کنند را اهل آتش شمرده شده است. در این مورد می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ» (غافر: ۴۳) مسرفان اهل آتشند.

ایجاد روحیه اعتدال و میانه‌روی در دختران از عوامل مهم در اداره اقتصاد خانواده است، به‌گونه‌ای که این ویژگی در موفقیت و تحصیل رضایت اعضای خانواده و سازگاری با آنان، به‌خصوص تأمین رضایت شوهر نقش حیاتی دارد. اگر دختر در خانه پدر با روحیه میانه‌روی و آینده‌نگری بزرگ شود، می‌تواند آن روش را در خانه شوهر هم ادامه دهد و یک زندگی آبرومندی را برای همسرش فراهم سازد. برعکس، اگر پدر و مادر به تربیت دختر توجه نکنند و او تجمل‌گرا و خودسر باریباید، چنین دختری در اداره امور منزل موفق نخواهد بود. دختران خانواده‌های سرمایه‌دار که معمولاً در ناز و نعمت بزرگ می‌شوند کارآیی چندانی در اداره منزل ندارند. چراکه این طیف از دختران با توجه به سابقه‌ای که در خانه پدر دارند اغلب آنها توقعات زیاد و خواسته‌های نامعقول دارند که شوهران سطح متوسط جامعه قادر به پاسخ‌گویی مطالبات آنان نیستند و بدین جهت پس از ازدواج نظام خانواده به تدریج دچار تزلزل و فروپاشی می‌شود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: فرد قانع همواره غنی و بی‌نیاز است و لو اینکه گرسنه یا برهنه باشد. (ریشه‌ری: ج ۳، ص ۲۶۳۶)

سیره فاطمه زهرا علیها السلام الگوی مناسب اعتدال و قناعت و بی‌نیازی از مردم است که زنان مسلمان می‌بایست از آن پیروی کنند. جریان انفاق لباس عروسی و قناعت به پیرهن کهنه از رویدادهای بسیار زیبا و جالبی است که تنها در عروسی دخت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه زهرا علیها السلام واقع شده و در طول تاریخ نظیر آن مشاهده نشده است. (تاج‌لنگرودی: ص ۸۶) معمولاً یکی از آرزوهای جوانان این است که مراسم ازدواج‌شان به‌عنوان مراسمی که یکبار در زندگی‌شان

اتفاق می‌افتد، هرچه باشکوه‌تر برگزار گردد. این مسأله طبیعی است و هر جوانی خواهان آن می‌باشد. اما زهرا علیها‌السلام که تربیت یافته مکتب وحی است فراتر از تمایلات و گرایشهای انسانی عمل می‌کند و در همان شب زیباترین لباسش را به سائل داده رضای خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را بر خواسته‌های طبیعی خود مقدم می‌دارد.

نتیجه

از آنچه در این مقاله بیان شد، ضمن پاسخ به سوال پژوهش به نتایجی رهنمون گردید که به اختصار مورد اشاره قرار می‌گیرد. سیره معصومین علیهم‌السلام حاوی هدایت‌های فراوانی در زمینه تربیت طبقه زنان است که لازم است پژوهشگران تعلیم و تربیت به بررسی آن بپردازند. نسوان به صورت فطری از ویژگی‌هایی برخوردارند که تربیت دینی و اخلاقی آنها را آسان‌تر می‌سازند. نقش آفرینی‌های زنان در حقیقت برآمده از خصوصیات ذاتی آنان است که مردان از آنها بی‌بهره‌اند. تربیت، ابعاد مختلفی دارد که پرورش زنان و دختران در همه آن ابعاد لازم و موجب سازگاری و رشد بیشتر آنها در حیات مادی و معنوی است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی و همکاران.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۶.
- امام خمینی، روح الله، جایگاه زن در اندیشه امام خمینی (تبیان دفتر هشتم)، ۱۳۹۰.
- بناری، علی همت، تربیت اسلامی (کتاب ۲)، تهران، نشر تربیت اسلامی، ۱۳۷۹.
- تاج لنگرودی، محمد مهدی، اخلاق حضرت فاطمه علیها السلام، تهران، دفتر نشر ممتاز، ۱۳۷۵.
- حرعاملی، محمد، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- حسین زاده، محمد، پژوهشی تطبیقی در معرفت شناسی معاصر، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۵.
- خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ق.
- سیف، سوسن و همکاران، روان شناسی رشد (۱)، تهران، سمت، ۱۳۸۸.
- شیخ صدوق، محمد بن بابویه، علل الشرایع، نجق، مطبوعات الحیدریه، بی تا.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- عاملی (شهید الثانی)، زین الدین، منیة المرید فی آداب المفید والمستفید، قم، بوستان کتاب، ۱۳۶۸.
- قائمی، علی، سازندگی و تربیت دختران، انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶.
- قزوینی، محمد کاظم، فاطمه من المهد إلى اللحد، بیروت، دار الزهراء، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م.
- کلینی، محمد، کافی، محققو مصحح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
- مجلسی اول، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح، موسوی کرمانی و دیگران، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث، الطبعة الثالثة ۱۴۰۳ق.
- محمدی ری شهری، محمد، حکمت نامه فاطمی (جهیزیه سرور زنان)، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۵.
- محمدی ریشهری، محمد، منتخب میزان الحکمة قم، دارالحدیث، ۱۳۸۱.
- محمدی ریشهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۶.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، قم، مطبوعاتی هدف، ۱۳۷۴.

منشور تربیتی دختران، معاونت پرورشی آموزشی و پرورش، انتشارات تربیت، ۱۳۷۸.
نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ق.
هاشمی رفسنجانی، اکبر، قم، تفسیر راهنما، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.

